

بررسی سیاست‌های بازدارنده دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ایران

الهه چگنی^۱، احسان ناصری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران.

۲. استاد دانشگاه، گروه حقوق، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران.

چکیده

قاچاق کالا و ارز یکی از پدیده‌های پیچیده و چندبعدی در نظام‌های اقتصادی معاصر است که آثار و پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و حقوقی بر جای می‌گذارد. این پدیده با اخلال در نظام تولید و توزیع، کاهش درآمدهای عمومی دولت، تضعیف تولید داخلی و گسترش اقتصاد غیررسمی، نقش مهمی در بی‌ثباتی اقتصادی ایفا می‌کند. در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، شرایط خاص اقتصادی، تفاوت قیمت کالاها و ارز با کشورهای همجوار، گستردگی مرزها و ضعف برخی سازوکارهای نظارتی، زمینه‌های مساعدی برای گسترش قاچاق کالا و ارز فراهم کرده است. از این رو، مبارزه با این پدیده به یکی از اولویت‌های اساسی دولت‌ها در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی و حقوقی تبدیل شده است.

دولت به‌عنوان متولی اصلی حفظ نظم اقتصادی و تأمین منافع عمومی، نقش محوری در پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا و ارز ایفا می‌کند. این نقش از طریق تدوین و اجرای قوانین و مقررات، جرم‌انگاری رفتارهای مرتبط با قاچاق، تعیین ضمانت اجرای کیفری و اداری، و همچنین ایجاد نهادهای اجرایی و نظارتی تحقق می‌یابد. در ایران نیز قانون‌گذار با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و ایجاد ساختارهای نهادی مرتبط، تلاش کرده است چارچوبی منسجم برای مقابله با این پدیده فراهم آورد. با این حال، علی‌رغم اتخاذ سیاست‌های متعدد تقنینی و اجرایی، قاچاق کالا و ارز همچنان به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد کشور باقی مانده است.

پژوهش حاضر با هدف بررسی سیاست‌های بازدارنده دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ایران انجام شده است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌های پژوهش از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای، قوانین و مقررات، اسناد حقوقی و آثار علمی مرتبط گردآوری شده است. در این پژوهش تلاش شده است ضمن تبیین مفاهیم و مبانی نظری قاچاق کالا و ارز، سیاست‌های تقنینی و اجرایی دولت در این حوزه مورد بررسی قرار گرفته و میزان بازدارندگی این سیاست‌ها تحلیل شود.

واژگان کلیدی: قاچاق کالا، قاچاق ارز، دولت، سیاست‌های بازدارنده، پیشگیری

مقدمه

قاچاق کالا و ارز یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اقتصاد پنهان در جوامع معاصر به‌شمار می‌آید که آثار و پیامدهای آن صرفاً به حوزه اقتصاد محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و حتی امنیتی را نیز در بر می‌گیرد. این پدیده با برهم‌زدن سازوکارهای رسمی تولید، توزیع و مبادله، موجب تضعیف نظم اقتصادی و کاهش کارآمدی سیاست‌های کلان دولت می‌شود. قاچاق کالا و ارز از یک سو با کاهش درآمدهای مالیاتی و گمرکی دولت و از سوی دیگر با ایجاد رقابت ناسالم برای تولیدکنندگان داخلی، مانعی جدی در مسیر توسعه اقتصادی کشورها محسوب می‌شود (صالحی، ۱۴۰۰).

در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، شرایط خاص اقتصادی و ساختاری موجب شده است که قاچاق کالا و ارز به‌عنوان یک معضل مزمن و پایدار مطرح باشد. عواملی همچون گستردگی مرزهای زمینی و دریایی، تفاوت قابل توجه قیمت کالاها و ارز با کشورهای همجوار، نوسانات نرخ ارز، ضعف نظارت مؤثر و پیچیدگی برخی مقررات اقتصادی، زمینه‌های مساعدی برای شکل‌گیری و گسترش قاچاق فراهم کرده‌اند. در چنین شرایطی، قاچاق کالا و ارز نه تنها موجب خروج منابع مالی از چرخه رسمی اقتصاد می‌شود، بلکه ثبات بازارها و اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی دولت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (انصاری، ۱۳۹۸).

از منظر حقوقی، قاچاق کالا و ارز به‌عنوان رفتاری مجرمانه تلقی می‌شود که نقض آشکار قوانین و مقررات اقتصادی کشور به‌شمار می‌آید. قانون‌گذار ایرانی با درک آثار مخرب این پدیده، از دیرباز تلاش کرده است از طریق جرم‌انگاری و پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری و اداری، با آن مقابله کند. تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ را می‌توان نقطه عطفی در ساماندهی مقررات پراکنده پیشین و ایجاد چارچوبی منسجم برای مبارزه با قاچاق دانست. این قانون با تعریف مصادیق مختلف قاچاق، تعیین مجازات‌ها و مشخص کردن وظایف نهادهای مسئول، تلاش کرده است زمینه‌های لازم برای مقابله مؤثر با این پدیده را فراهم آورد (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲).

با وجود این، بررسی وضعیت موجود نشان می‌دهد که صرف وجود قوانین و مقررات، به‌تنهایی تضمین‌کننده کاهش قاچاق کالا و ارز نیست. تجربه عملی نشان داده است که علی‌رغم تشدید مجازات‌ها و گسترش دامنه جرم‌انگاری، قاچاق همچنان یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد ایران باقی مانده است. این امر بیانگر آن است که مسئله قاچاق، صرفاً یک مشکل تقنینی نیست، بلکه با نحوه اجرای قوانین، کارآمدی نهادهای اجرایی و میزان هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول ارتباط مستقیم دارد (عظیمی، ۱۴۰۰).

در این میان، نقش دولت به‌عنوان متولی اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی و حافظ نظم عمومی، اهمیتی دوچندان می‌یابد. دولت از طریق تدوین سیاست‌های تقنینی، اجرایی و نظارتی، می‌تواند زمینه‌های ارتکاب قاچاق را محدود کرده و هزینه‌های آن را افزایش دهد. سیاست‌های بازدارنده دولت، به‌ویژه در قالب سیاست‌های کیفری، با هدف کاهش انگیزه ارتکاب قاچاق و افزایش ریسک آن طراحی می‌شوند. با این حال، چنانچه این سیاست‌ها به‌صورت منسجم و هماهنگ اجرا نشوند، نه تنها نقش بازدارنده خود را از دست می‌دهند، بلکه ممکن است به بی‌اعتمادی فعالان اقتصادی نسبت به نظام حقوقی و نظارتی منجر شوند (احمدزاده، ۱۳۹۴).

علاوه بر این، تمرکز صرف بر ابزارهای کیفری و غفلت از سیاست‌های پیشگیرانه غیرکیفری، یکی از نقاط ضعف اساسی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز محسوب می‌شود. عواملی همچون بی‌ثباتی اقتصادی، نوسانات نرخ ارز و ضعف فرهنگ عمومی در حمایت از تولید داخلی، از جمله زمینه‌هایی هستند که بدون اصلاح آن‌ها، سیاست‌های بازدارنده کیفری نمی‌توانند به‌طور مؤثر عمل کنند. از این

منظر، مقابله با قاچاق کالا و ارز مستلزم نگاهی جامع و چندبعدی است که علاوه بر مجازات، به اصلاح بسترهای اقتصادی و اجتماعی نیز توجه داشته باشد (صالحی، ۱۴۰۰).

با توجه به مطالب فوق، بررسی سیاست‌های بازدارنده دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز و تحلیل میزان کارآمدی آن‌ها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. پژوهش حاضر می‌کوشد با تمرکز بر سیاست‌های تقنینی و اجرایی دولت و با تکیه بر منابع حقوقی موجود، به این پرسش اساسی پاسخ دهد که چرا علی‌رغم وجود قوانین و نهادهای متعدد، قاچاق کالا و ارز همچنان یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد ایران باقی مانده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

قاچاق کالا و ارز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی و حقوقی، آثار زیان‌بار گسترده‌ای بر ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور برجای می‌گذارد. اهمیت پرداختن به این موضوع از آن جهت است که قاچاق، با تضعیف تولید داخلی، کاهش درآمدهای عمومی دولت و گسترش اقتصاد غیررسمی، مانعی جدی در مسیر تحقق اهداف کلان اقتصادی و توسعه پایدار محسوب می‌شود. در این میان، نقش دولت در مقابله با این پدیده و کارآمدی سیاست‌های اتخاذشده، جایگاه ویژه‌ای در تحلیل‌های حقوقی و اقتصادی دارد (صالحی، ۱۴۰۰).

از منظر اقتصادی، قاچاق کالا و ارز موجب اختلال در نظام توزیع و برهم‌زدن تعادل بازار می‌شود. ورود کالاهای قاچاق به بازار داخلی، بدون پرداخت حقوق گمرکی و مالیات، شرایط رقابت نابرابر را برای تولیدکنندگان داخلی ایجاد می‌کند و انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش تولید را کاهش می‌دهد. همچنین، قاچاق ارز با خروج منابع مالی از کشور و تشدید نوسانات ارزی، ثبات اقتصادی را با چالش مواجه می‌سازد. این آثار منفی، ضرورت بررسی سیاست‌های دولت در مقابله با قاچاق را بیش از پیش آشکار می‌سازد (انصاری، ۱۳۹۸).

از منظر حقوقی نیز قاچاق کالا و ارز به‌عنوان نقض آشکار قوانین و مقررات اقتصادی کشور، تهدیدی برای حاکمیت قانون و نظم عمومی به‌شمار می‌آید. قانون‌گذار ایرانی با جرم‌انگاری قاچاق و پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری و اداری، تلاش کرده است از طریق افزایش هزینه ارتکاب این جرم، نقش بازدارنده ایفا کند. با این حال، تداوم قاچاق کالا و ارز نشان می‌دهد که صرف جرم‌انگاری و تشدید مجازات‌ها، به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌گوی ابعاد پیچیده این پدیده باشد (احمدزاده، ۱۳۹۴).

یکی از دلایل اهمیت این پژوهش، بررسی فاصله میان «قانون» و «اجرا» در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. هرچند قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، چارچوب نسبتاً جامعی برای مقابله با این پدیده فراهم کرده است، اما در عمل، ضعف در اجرای مؤثر قوانین، تعدد نهادهای مسئول و نبود هماهنگی نهادی، از عوامل اصلی کاهش کارآمدی سیاست‌های دولت محسوب می‌شوند. این مسئله ضرورت تحلیل سیاست‌های بازدارنده دولت را از منظر کارآمدی و اثربخشی دوچندان می‌کند (عظیمی، ۱۴۰۰). افزون بر این، اهمیت پژوهش حاضر در آن است که قاچاق کالا و ارز، پدیده‌ای صرفاً کیفری نیست، بلکه ریشه در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی دارد. تمرکز بیش از حد بر ابزارهای کیفری و غفلت از سیاست‌های پیشگیرانه غیرکیفری، از جمله اصلاح ساختارهای اقتصادی، ثبات بخشی به بازار ارز و ارتقای فرهنگ عمومی، موجب شده است که سیاست‌های دولت نتوانند به‌طور کامل نقش بازدارنده ایفا کنند. بررسی این رویکرد یک‌جانبه و پیامدهای آن، از جمله اهداف مهم این پژوهش به‌شمار می‌آید (صالحی، ۱۴۰۰).

از سوی دیگر، اهمیت این پژوهش از منظر سیاست‌گذاری عمومی نیز قابل توجه است. دولت‌ها برای طراحی سیاست‌های مؤثر در مبارزه با قاچاق، نیازمند ارزیابی مستمر سیاست‌های موجود و شناسایی نقاط ضعف و قوت آن‌ها هستند. پژوهش حاضر با تحلیل سیاست‌های بازدارنده دولت در حوزه قاچاق کالا و ارز، می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای اصلاح سیاست‌های تقنینی و اجرایی و اتخاذ رویکردهای جامع‌تر در این حوزه مورد استفاده قرار گیرد (احمدی، ۱۴۰۲).

در نهایت، ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که قاچاق کالا و ارز، علاوه بر آثار اقتصادی، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی نیز به‌همراه دارد. عادی‌شدن مصرف کالاهای قاچاق و کاهش حساسیت اجتماعی نسبت به این پدیده، می‌تواند به تضعیف فرهنگ قانون‌مداری و افزایش بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نظام حقوقی منجر شود. از این رو، بررسی سیاست‌های دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز و میزان بازدارندگی آن‌ها، گامی ضروری در جهت تقویت حاکمیت قانون و نظم اقتصادی کشور محسوب می‌شود (احمدزاده، ۱۳۹۴).

اهداف و پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل سیاست‌های بازدارنده دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ایران انجام شده است. تداوم پدیده قاچاق علی‌رغم وجود قوانین متعدد و نهادهای مسئول، بیانگر آن است که میان اهداف قانون‌گذار و نتایج عملی سیاست‌های اتخاذشده فاصله‌ای قابل توجه وجود دارد. از این رو، شناسایی علل این فاصله و بررسی میزان کارآمدی سیاست‌های دولت، از اهداف اصلی این پژوهش به‌شمار می‌آید (عظیمی، ۱۴۰۰).

هدف کلی پژوهش، ارزیابی میزان بازدارندگی سیاست‌های تقنینی و اجرایی دولت در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. در این راستا، تلاش شده است ضمن بررسی چارچوب‌های قانونی موجود، نحوه اجرای آن‌ها و تأثیر عملی سیاست‌ها بر کاهش یا تداوم قاچاق مورد تحلیل قرار گیرد. این هدف کلی، ناظر بر پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا سیاست‌های اتخاذشده توسط دولت توانسته‌اند به‌طور مؤثر از ارتکاب قاچاق جلوگیری کنند یا خیر (احمدزاده، ۱۳۹۴).

اهداف جزئی پژوهش را می‌توان در چند محور اساسی خلاصه کرد. نخست، تبیین مفاهیم و مبانی نظری مرتبط با قاچاق کالا و ارز و سیاست‌های بازدارنده دولت است. این هدف با توجه به تنوع دیدگاه‌ها و تعاریف موجود، اهمیت ویژه‌ای دارد و زمینه‌ساز تحلیل دقیق‌تر سیاست‌های اتخاذشده خواهد بود (صالحی، ۱۴۰۰). دوم، بررسی اقدامات تقنینی دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز و تحلیل میزان انسجام و کارآمدی قوانین موجود، به‌ویژه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ است. سوم، تحلیل اقدامات اجرایی و نظارتی دولت و نقش نهادهای مسئول در اجرای قوانین و سیاست‌های مقابله‌ای است (انصاری، ۱۳۹۸).

هدف دیگر پژوهش، شناسایی نقاط ضعف و چالش‌های موجود در سیاست‌های بازدارنده دولت است. ضعف در اجرا، نبود هماهنگی نهادی، اطلاع‌فرآیندهای اداری و قضایی و تمرکز بیش از حد بر سیاست‌های کیفری، از جمله مواردی هستند که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند. نهایتاً، ارائه پیشنهادهایی در راستای افزایش کارآمدی سیاست‌های دولت و تقویت بازدارندگی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز، از دیگر اهداف پژوهش حاضر محسوب می‌شود (احمدی، ۱۴۰۲).

بر اساس اهداف یادشده، پرسش‌های اصلی و فرعی پژوهش به شرح زیر قابل طرح است: پرسش اصلی آن است که سیاست‌های بازدارنده دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ایران تا چه اندازه مؤثر و کارآمد بوده‌اند؟ پرسش‌های فرعی نیز شامل این موارد است که مهم‌ترین سیاست‌های تقنینی و اجرایی دولت در این حوزه کدام‌اند؟ چه عواملی

موجب کاهش بازدارندگی این سیاست‌ها شده‌اند؟ و چه راهکارهایی می‌تواند به افزایش کارآمدی سیاست‌های دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز منجر شود؟

مفاهیم و تعاریف کلیدی

مفهوم قاچاق کالا

قاچاق کالا در ادبیات حقوقی و اقتصادی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که خارج از چارچوب قوانین و مقررات رسمی کشور انجام گرفته و منجر به ورود یا خروج کالا بدون رعایت تشریفات قانونی می‌شود. این پدیده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق اقتصاد پنهان، نقش قابل توجهی در تضعیف نظام اقتصادی و کاهش درآمدهای عمومی دولت ایفا می‌کند (صالحی، ۱۴۰۰).

در نظام حقوقی ایران، قاچاق کالا به‌صورت صریح مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. مطابق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، هرگونه ورود، خروج، حمل، نگهداری و عرضه کالا بدون اخذ مجوزهای لازم و بدون پرداخت حقوق و عوارض قانونی، قاچاق محسوب می‌شود (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲). این تعریف نشان‌دهنده رویکرد موسع قانون‌گذار در شناسایی مصادیق قاچاق و تلاش برای پوشش حداکثری رفتارهای ناقض نظم اقتصادی است.

قاچاق کالا آثار زیان‌بار متعددی به‌همراه دارد. از جمله این آثار می‌توان به کاهش تولید داخلی، افزایش بیکاری، تضعیف رقابت سالم و کاهش درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت اشاره کرد. ورود کالاهای قاچاق به بازار، بدون تحمل هزینه‌های قانونی، موجب ایجاد رقابت نابرابر برای تولیدکنندگان داخلی می‌شود و انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد (احمدزاده، ۱۳۹۴).

مفهوم قاچاق ارز

قاچاق ارز به انجام هرگونه عملیات خرید، فروش، نگهداری، انتقال یا خروج ارز بدون رعایت مقررات و ضوابط تعیین‌شده از سوی مراجع قانونی اطلاق می‌شود. با توجه به نقش اساسی ارز در ثبات اقتصادی و سیاست‌های پولی، قاچاق ارز از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند آثار مخربی بر اقتصاد ملی بر جای گذارد (انصاری، ۱۳۹۸).

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قاچاق ارز را به‌عنوان یکی از مصادیق بارز نقض مقررات اقتصادی شناسایی کرده و برای آن ضمانت اجرای کیفری و اداری پیش‌بینی نموده است. هدف از این مقررات، جلوگیری از خروج غیرقانونی منابع ارزی، کنترل بازار ارز و حفظ ثبات اقتصادی کشور است (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲).

قاچاق ارز موجب افزایش نوسانات ارزی، تضعیف پول ملی و کاهش توان دولت در مدیریت سیاست‌های پولی می‌شود. از این رو، مبارزه با قاچاق ارز، بخش جدایی‌ناپذیر سیاست‌های اقتصادی و مالی دولت محسوب می‌شود (صالحی، ۱۴۰۰).

مفهوم سیاست‌های بازدارنده دولت

سیاست‌های بازدارنده به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که با هدف افزایش هزینه ارتکاب جرم و کاهش منافع آن، از وقوع رفتارهای مجرمانه جلوگیری می‌کنند. در حوزه قاچاق کالا و ارز، سیاست‌های بازدارنده دولت عمدتاً در قالب سیاست‌های کیفری و اداری تجلی می‌یابند و شامل جرم‌انگاری، تشدید مجازات‌ها، ضبط اموال و اعمال محدودیت‌های قانونی هستند (احمدزاده، ۱۳۹۴).

با این حال، تحقق بازدارندگی مؤثر مستلزم اجرای دقیق و هماهنگ این سیاست‌هاست. در صورتی که قوانین به‌درستی اجرا نشوند یا نهادهای مسئول از هماهنگی لازم برخوردار نباشند، سیاست‌های بازدارنده کارایی خود را از دست خواهند داد (عظیمی، ۱۴۰۰).

مبانی نظری و حقوقی قاچاق کالا و ارز

بررسی قاچاق کالا و ارز مستلزم تبیین مبانی نظری و حقوقی حاکم بر این پدیده است؛ زیرا بدون شناخت دقیق چارچوب‌های نظری و حقوقی، تحلیل سیاست‌های دولت در مبارزه با قاچاق و ارزیابی میزان بازدارندگی آن‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. قاچاق کالا و ارز در تقاطع میان اقتصاد، حقوق و سیاست‌گذاری عمومی قرار دارد و همین امر موجب پیچیدگی تحلیل آن شده است. از این رو، تبیین مبانی نظری و حقوقی، مقدمه‌ای ضروری برای بررسی سیاست‌های بازدارنده دولت محسوب می‌شود (صالحی، ۱۴۰۰).

مبانی نظری قاچاق کالا و ارز

از منظر نظری، قاچاق کالا و ارز را می‌توان یکی از مصادیق بارز اقتصاد پنهان دانست. اقتصاد پنهان شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که خارج از نظارت و کنترل دولت انجام می‌شود و در آمارهای رسمی اقتصادی منعکس نمی‌گردد. قاچاق کالا و ارز به‌دلیل ماهیت غیرقانونی خود، بخش قابل توجهی از این اقتصاد پنهان را تشکیل می‌دهد و موجب کاهش شفافیت اقتصادی و تضعیف کارآمدی سیاست‌های اقتصادی دولت می‌شود (احمدزاده، ۱۳۹۴).

بر اساس دیدگاه‌های اقتصادی، قاچاق زمانی گسترش می‌یابد که تفاوت میان منافع حاصل از فعالیت غیرقانونی و هزینه‌های آن افزایش یابد. در شرایطی که سود حاصل از قاچاق بالا و احتمال کشف و مجازات پایین باشد، انگیزه ارتکاب این رفتار تقویت می‌شود. از این منظر، سیاست‌های بازدارنده دولت باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که هزینه‌های قاچاق، اعم از هزینه‌های مالی، کیفری و اجتماعی، از منافع آن پیشی گیرد (صالحی، ۱۴۰۰).

نظریه بازدارندگی در حقوق کیفری نیز بر همین مبنا استوار است. مطابق این نظریه، مجازات زمانی می‌تواند نقش بازدارنده ایفا کند که قطعی، سریع و متناسب باشد. در حوزه قاچاق کالا و ارز، صرف تشدید مجازات‌ها بدون تضمین اجرای مؤثر آن‌ها، نمی‌تواند بازدارندگی لازم را ایجاد کند. این نکته در تحلیل سیاست‌های کیفری دولت در مبارزه با قاچاق اهمیت بسزایی دارد (احمدزاده، ۱۳۹۴).

از منظر اجتماعی نیز قاچاق کالا و ارز ریشه در برخی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی دارد. عادی‌شدن مصرف کالاهای قاچاق و کاهش حساسیت اجتماعی نسبت به این پدیده، موجب تضعیف کارکرد بازدارنده قوانین می‌شود. در چنین شرایطی، حتی شدیدترین مجازات‌ها نیز نمی‌توانند به‌تنهایی مانع گسترش قاچاق شوند. این امر نشان می‌دهد که سیاست‌های بازدارنده دولت باید با سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی تکمیل شوند (صالحی، ۱۴۰۰).

مبانی حقوقی قاچاق کالا و ارز

از منظر حقوقی، قاچاق کالا و ارز به‌عنوان رفتاری مجرمانه شناخته می‌شود که نقض آشکار نظم اقتصادی و قواعد آمره حاکم بر مبادلات تجاری و مالی است. قانون‌گذار ایرانی با توجه به آثار زیان‌بار قاچاق، از دیرباز اقدام به جرم‌انگاری این رفتار کرده است. با این حال، پراکندگی قوانین و مقررات پیشین، موجب ضعف در مقابله مؤثر با قاچاق شده بود. تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ را می‌توان پاسخی به این چالش دانست (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲).

این قانون با هدف ایجاد انسجام در مقررات، تعریف دقیق مصادیق قاچاق و تعیین وظایف نهادهای مسئول تصویب شده است. قانون‌گذار در این قانون، قاچاق کالا و ارز را به صورت موسع تعریف کرده و رفتارهایی نظیر ورود، خروج، حمل، نگهداری و عرضه کالا و ارز بدون رعایت مقررات قانونی را مشمول عنوان قاچاق دانسته است. این رویکرد نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار برای پوشش حداکثری رفتارهای ناقض نظم اقتصادی است (صالحی، ۱۴۰۰).

یکی از مبانی حقوقی مهم در جرم‌انگاری قاچاق کالا و ارز، حمایت از منافع عمومی و نظم اقتصادی است. قاچاق نه تنها منافع دولت را از حیث درآمدهای مالیاتی و گمرکی به خطر می‌اندازد، بلکه امنیت اقتصادی و رقابت سالم را نیز تهدید می‌کند. از این رو، قانون‌گذار با پیش‌بینی مجازات‌های کیفری و اداری، درصدد حمایت از این منافع عمومی برآمده است (احمدزاده، ۱۳۹۴). در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ضمانت اجرای متنوعی پیش‌بینی شده است که شامل جزای نقدی، ضبط کالا و ارز، محرومیت‌های اجتماعی و در برخی موارد مجازات حبس می‌شود. هدف از این تنوع در ضمانت اجراها، افزایش هزینه ارتکاب قاچاق و تقویت نقش بازدارنده قوانین است. با این حال، کارآمدی این ضمانت اجراها در گرو اجرای دقیق و هماهنگ آن‌ها توسط نهادهای مسئول است (عظیمی، ۱۴۰۰).

جایگاه دولت در چارچوب حقوقی مبارزه با قاچاق

دولت در نظام حقوقی ایران، نقش محوری در مبارزه با قاچاق کالا و ارز ایفا می‌کند. این نقش از طریق قوه مقننه در قالب قانون‌گذاری، قوه مجریه در قالب اجرا و نظارت، و قوه قضاییه در قالب رسیدگی و اعمال مجازات‌ها تحقق می‌یابد. هماهنگی میان این سه حوزه، شرط اساسی تحقق بازدارندگی مؤثر سیاست‌های دولت است (احمدی، ۱۴۰۲).

با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که یکی از چالش‌های اساسی در مبارزه با قاچاق، نبود هماهنگی نهادی و تداخل وظایف میان دستگاه‌های مسئول است. تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و اجرایی، موجب کندی فرآیندها و کاهش اثربخشی سیاست‌های دولت شده است. این مسئله ضرورت بازنگری در ساختارهای نهادی و تقویت هماهنگی میان دستگاه‌ها را آشکار می‌سازد (عظیمی، ۱۴۰۰). در مجموع، مبانی نظری و حقوقی قاچاق کالا و ارز نشان می‌دهد که این پدیده، ریشه در عوامل متعددی دارد و مقابله مؤثر با آن مستلزم رویکردی جامع و چندبعدی است. سیاست‌های بازدارنده دولت زمانی می‌توانند کارآمد باشند که در چارچوبی منسجم، هماهنگ و مبتنی بر اجرای دقیق قوانین طراحی و اجرا شوند.

سیاست‌ها و اقدامات تقنینی دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز

اقدامات تقنینی دولت، یکی از اساسی‌ترین ابزارها در مبارزه با قاچاق کالا و ارز به‌شمار می‌آید. قانون‌گذاری به عنوان نقطه آغاز سیاست‌های مقابله‌ای، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به عملکرد نهادهای اجرایی و قضایی دارد. در نظام حقوقی ایران، قانون‌گذار با درک آثار مخرب قاچاق بر اقتصاد ملی، از دیرباز تلاش کرده است با وضع قوانین و مقررات، زمینه‌های گسترش این پدیده را محدود کند. با این حال، تجربه نشان داده است که پراکندگی قوانین و فقدان انسجام تقنینی، یکی از موانع اصلی در مقابله مؤثر با قاچاق بوده است (صالحی، ۱۴۰۰).

سیر تحول تقنین در حوزه مبارزه با قاچاق

پیش از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، مقررات متعددی در قوانین مختلف به موضوع قاچاق پرداخته بودند. این مقررات که در قوانین گمرکی، تعزیرات حکومتی و سایر قوانین پراکنده وجود داشتند، از انسجام و هماهنگی لازم برخوردار

نبودند. همین پراکندگی موجب بروز ابهام در تعیین مصادیق قاچاق، تداخل صلاحیت نهادها و ضعف در اجرای مؤثر قوانین شده بود (احمدزاده، ۱۳۹۴).

تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را می‌توان تلاشی در جهت رفع این نارسایی‌ها دانست. هدف اصلی قانون‌گذار از تصویب این قانون، ایجاد چارچوبی منسجم برای مبارزه با قاچاق و تجمیع مقررات پراکنده در قالب یک قانون واحد بوده است. این قانون با تعریف نسبتاً جامع قاچاق کالا و ارز، تلاش کرده است بسیاری از خلأهای تقنینی پیشین را پوشش دهد (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲).

تعریف و شمول مصادیق قاچاق در قانون

یکی از ویژگی‌های مهم قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ارائه تعریفی موسع از قاچاق است. قانون‌گذار در این قانون، صرف ورود یا خروج غیرقانونی کالا و ارز را قاچاق ندانسته، بلکه رفتارهایی نظیر حمل، نگهداری، عرضه و حتی فروش کالا و ارز بدون رعایت مقررات قانونی را نیز مشمول عنوان قاچاق قرار داده است. این رویکرد نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار برای مقابله همه‌جانبه با زنجیره قاچاق از مرحله ورود تا توزیع است (صالحی، ۱۴۰۰).

گسترش دامنه شمول قاچاق، از منظر نظری می‌تواند به افزایش کارآمدی سیاست‌های بازدارنده منجر شود؛ زیرا امکان فرار مرتکبان از مسئولیت کیفری را کاهش می‌دهد. با این حال، در عمل، این گستردگی گاه موجب بروز مشکلاتی در تشخیص مصادیق قاچاق و اعمال صحیح قانون شده است؛ به‌ویژه در مواردی که مرز میان تخلف اداری و جرم قاچاق به‌طور دقیق مشخص نیست (احمدزاده، ۱۳۹۴).

ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده در قانون

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مجموعه‌ای متنوع از ضمانت اجرای کیفری و اداری را برای مقابله با قاچاق پیش‌بینی کرده است. این ضمانت اجراها شامل جزای نقدی، ضبط کالا و ارز، محرومیت‌های اجتماعی و در برخی موارد مجازات حبس می‌شود. هدف قانون‌گذار از پیش‌بینی این ضمانت اجراها، افزایش هزینه ارتکاب قاچاق و تقویت نقش بازدارنده قانون بوده است (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲).

جزای نقدی به‌عنوان رایج‌ترین ضمانت اجرای قاچاق، معمولاً متناسب با ارزش کالا یا ارز قاچاق تعیین می‌شود. این امر از منظر نظری می‌تواند بازدارنده باشد، اما در عمل، در مواردی که سود حاصل از قاچاق بسیار بالاست، جزای نقدی تعیین‌شده نمی‌تواند نقش بازدارنده مؤثری ایفا کند. این مسئله به‌ویژه در قاچاق سازمان‌یافته و کلان نمود بیشتری دارد (صالحی، ۱۴۰۰).

ارزیابی کارآمدی اقدامات تقنینی

با وجود تصویب قانون جامع مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تداوم پدیده قاچاق نشان می‌دهد که اقدامات تقنینی دولت با چالش‌های جدی مواجه است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، فاصله میان متن قانون و اجرای آن است. ضعف در نظارت، اطاله فرآیندهای رسیدگی و نبود هماهنگی میان نهادهای مسئول، موجب شده است که بسیاری از ظرفیت‌های قانونی به‌طور کامل مورد استفاده قرار نگیرد (عظیمی، ۱۴۰۰).

علاوه بر این، تمرکز بیش از حد قانون‌گذار بر ضمانت اجرای کیفری و غفلت نسبی از ابزارهای پیشگیرانه غیرکیفری، از دیگر نقاط ضعف اقدامات تقنینی محسوب می‌شود. در حالی که اصلاح ساختارهای اقتصادی و کاهش انگیزه‌های اقتصادی قاچاق می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از این پدیده داشته باشد، قوانین موجود بیشتر بر مجازات پس از وقوع جرم تمرکز دارند (احمدزاده، ۱۳۹۴). در مجموع، اقدامات تقنینی دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز، اگرچه از حیث تدوین چارچوب قانونی گامی مهم به‌شمار می‌آید، اما برای تحقق بازدارندگی واقعی، نیازمند تکمیل و اصلاح در حوزه اجرا و هماهنگی نهادی است. این مسئله نشان می‌دهد که قانون‌گذاری، شرط لازم مبارزه با قاچاق است، اما شرط کافی محسوب نمی‌شود.

سیاست‌ها و اقدامات اجرایی و نظارتی دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز

در کنار اقدامات تقنینی، سیاست‌ها و اقدامات اجرایی و نظارتی دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق اهداف مبارزه با قاچاق کالا و ارز ایفا می‌کنند. حتی جامع‌ترین قوانین نیز بدون اجرای مؤثر و نظارت دقیق، نمی‌توانند به نتایج مطلوب دست یابند. از این رو، بررسی اقدامات اجرایی دولت و نحوه عملکرد نهادهای مسئول، بخش جدایی‌ناپذیر تحلیل سیاست‌های بازدارنده در حوزه قاچاق محسوب می‌شود (عظیمی، ۱۴۰۰).

نقش نهادهای اجرایی در مبارزه با قاچاق

در نظام حقوقی ایران، نهادهای متعددی در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز مسئولیت دارند. این نهادها شامل گمرک جمهوری اسلامی ایران، نیروی انتظامی، سازمان تعزیرات حکومتی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و سایر دستگاه‌های نظارتی می‌شوند. هدف از مشارکت این نهادها، ایجاد شبکه‌ای هماهنگ برای شناسایی، کشف و برخورد با مصادیق قاچاق است. با این حال، تعدد نهادهای مسئول در عمل گاه به تداخل وظایف و کاهش کارآمدی منجر شده است (صالحی، ۱۴۰۰).

گمرک جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نهادهای اجرایی، نقش محوری در پیشگیری از ورود و خروج غیرقانونی کالا ایفا می‌کند. کنترل مرزها، نظارت بر تشریفات گمرکی و اخذ حقوق و عوارض قانونی، از جمله وظایف اصلی این نهاد است. ضعف در زیرساخت‌های نظارتی، کمبود نیروی انسانی متخصص و گستردگی مرزهای کشور، از جمله عواملی هستند که اجرای مؤثر این وظایف را با چالش مواجه کرده‌اند (انصاری، ۱۳۹۸).

اقدامات نظارتی و کنترلی دولت

دولت در راستای تقویت نظارت بر جریان کالا و ارز، اقدام به طراحی و اجرای سامانه‌های نظارتی مختلف کرده است. این سامانه‌ها با هدف افزایش شفافیت، ردیابی کالا و جلوگیری از ورود کالاهای قاچاق به بازار طراحی شده‌اند. با این حال، عدم هماهنگی کامل میان سامانه‌ها و نهادهای مسئول، موجب شده است که بخشی از ظرفیت‌های این ابزارهای نظارتی بلااستفاده باقی بماند (احمدی، ۱۴۰۲). نظارت بر شبکه توزیع کالا، یکی دیگر از محورهای اصلی اقدامات اجرایی دولت است. برخورد با عرضه‌کنندگان کالاهای قاچاق و اعمال مجازات‌های اداری و کیفری، از جمله ابزارهای مورد استفاده دولت در این زمینه است. با این وجود، گستردگی بازار و پیچیدگی شبکه توزیع، نظارت مؤثر بر تمامی مراحل عرضه کالا را دشوار کرده است (احمدزاده، ۱۳۹۴).

چالش‌های اجرایی سیاست‌های دولت

یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجرایی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز، نبود هماهنگی نهادی است. هرچند قوانین موجود بر همکاری دستگاه‌های مختلف تأکید دارند، اما در عمل، تفاوت در رویکردها، محدودیت‌های ساختاری و گاه تعارض منافع، مانع از تحقق

هماهنگی کامل میان نهادهای مسئول شده است. این مسئله موجب کاهش سرعت و اثربخشی اقدامات مقابله‌ای می‌شود (عظیمی، ۱۴۰۰).

چالش دیگر، اطاله فرآیندهای اداری و قضایی در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق است. طولانی‌شدن روند رسیدگی، نه تنها از شدت اثر بازدارنده مجازات‌ها می‌کاهد، بلکه موجب افزایش هزینه‌های اجرایی دولت نیز می‌شود. این امر به‌ویژه در پرونده‌های کلان قاچاق، تأثیر منفی قابل توجهی بر کارآمدی سیاست‌های دولت دارد (صالحی، ۱۴۰۰).

ارزیابی اقدامات اجرایی و نظارتی

بررسی اقدامات اجرایی و نظارتی دولت نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، سیاست‌های اجرایی هنوز به سطح مطلوبی از کارآمدی نرسیده‌اند. ضعف در اجرای هماهنگ قوانین، کمبود منابع انسانی و فنی و تمرکز بیش از حد بر برخوردهای مقطعی، از جمله عواملی هستند که بازدارندگی سیاست‌های دولت را تضعیف کرده‌اند (احمدزاده، ۱۳۹۴). در مجموع، می‌توان گفت که سیاست‌های اجرایی و نظارتی دولت، نقش مکمل و حیاتی در تحقق اهداف تقنینی دارند. بدون تقویت این سیاست‌ها و رفع چالش‌های اجرایی موجود، سیاست‌های بازدارنده دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز نمی‌توانند به نتایج پایدار دست یابند.

ارزیابی میزان بازدارندگی سیاست‌های دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز

بازدارندگی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست‌های کیفری و اداری، زمانی محقق می‌شود که سیاست‌های اتخاذشده بتوانند انگیزه ارتکاب رفتار مجرمانه را کاهش داده و هزینه‌های آن را افزایش دهند. در حوزه قاچاق کالا و ارز، ارزیابی میزان بازدارندگی سیاست‌های دولت مستلزم بررسی هم‌زمان ابعاد تقنینی، اجرایی و نظارتی است؛ زیرا ضعف در هر یک از این حوزه‌ها می‌تواند کارآمدی کلی سیاست‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (احمدزاده، ۱۳۹۴).

بازدارندگی سیاست‌های کیفری

سیاست‌های کیفری دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز عمدتاً بر جرم‌انگاری گسترده و تشدید مجازات‌ها متمرکز بوده است. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با پیش‌بینی مجازات‌هایی همچون جزای نقدی، ضبط کالا و ارز و در مواردی مجازات حبس، تلاش کرده است هزینه ارتکاب قاچاق را افزایش دهد. از منظر نظری، این رویکرد می‌تواند نقش بازدارنده ایفا کند؛ اما تحقق این هدف در عمل، به نحوه اجرای مجازات‌ها بستگی دارد (صالحی، ۱۴۰۰).

در بسیاری از موارد، عدم قطعیت در کشف جرم و اطاله فرآیند رسیدگی، موجب کاهش اثر بازدارنده مجازات‌ها شده است. زمانی که مرتکبان قاچاق، احتمال شناسایی و مجازات را پایین ارزیابی می‌کنند، حتی مجازات‌های شدید نیز نمی‌توانند مانع ارتکاب جرم شوند. این مسئله به‌ویژه در قاچاق سازمان‌یافته و کلان که سود حاصل از آن بسیار بالاست، نمود بیشتری دارد (عظیمی، ۱۴۰۰).

بازدارندگی سیاست‌های اداری و اقتصادی

علاوه بر سیاست‌های کیفری، سیاست‌های اداری و اقتصادی دولت نیز نقش مهمی در بازدارندگی قاچاق کالا و ارز ایفا می‌کنند. اقداماتی همچون تشدید نظارت‌های گمرکی، کنترل شبکه توزیع و اعمال محدودیت‌های قانونی، در صورتی که به‌طور هماهنگ اجرا شوند، می‌توانند زمینه‌های ارتکاب قاچاق را کاهش دهند. با این حال، نارسایی‌های ساختاری و ضعف در نظارت مستمر، موجب شده است که این سیاست‌ها به‌طور کامل اثربخش نباشند (انصاری، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، نوسانات اقتصادی و تفاوت قیمت کالاها و ارز با کشورهای همجوار، همچنان انگیزه‌های اقتصادی قاچاق را تقویت می‌کند. در چنین شرایطی، سیاست‌های بازدارنده اداری و کیفری بدون اصلاح بسترهای اقتصادی، نمی‌توانند به نتایج پایدار دست یابند (صالحی، ۱۴۰۰).

نقش هماهنگی نهادی در تحقق بازدارندگی

یکی از عوامل اساسی در ارزیابی بازدارندگی سیاست‌های دولت، میزان هماهنگی میان نهادهای مسئول است. تعدد دستگاه‌های اجرایی و نظارتی و نبود سازوکارهای هماهنگ‌کننده مؤثر، موجب کاهش کارآمدی سیاست‌های مقابله‌ای شده است. این مسئله نه تنها فرآیند کشف و برخورد با قاچاق را کند می‌کند، بلکه پیام روشنی از ضعف حاکمیت قانون به مرتکبان منتقل می‌سازد (عظیمی، ۱۴۰۰).

در واقع، بازدارندگی زمانی تحقق می‌یابد که سیاست‌های دولت به صورت منسجم و یکپارچه اجرا شوند. نبود هماهنگی نهادی، موجب ایجاد خلأهایی می‌شود که قاچاقچیان از آن‌ها بهره‌برداری می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که بازدارندگی صرفاً به شدت مجازات وابسته نیست، بلکه به کیفیت اجرا نیز ارتباط مستقیم دارد (احمدزاده، ۱۳۹۴).

جمع‌بندی ارزیابی بازدارندگی

در مجموع، ارزیابی سیاست‌های دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز نشان می‌دهد که بازدارندگی این سیاست‌ها نسبی و محدود بوده است. هرچند اقدامات تقنینی و اجرایی متعددی صورت گرفته، اما ضعف در اجرا، نبود هماهنگی نهادی و تمرکز بیش از حد بر ابزارهای کیفری، مانع از تحقق بازدارندگی مؤثر شده است. این امر ضرورت بازنگری در سیاست‌های موجود و اتخاذ رویکردی جامع‌تر را آشکار می‌سازد (احمدی، ۱۴۰۲).

۲. مبانی نظری و مفاهیم کلیدی

۲-۱. قاچاق کالا

قاچاق کالا به عملی گفته می‌شود که کالا بدون رعایت مقررات قانونی و تشریفات لازم وارد یا خارج کشور می‌شود. این پدیده یکی از مهم‌ترین اجزای اقتصاد زیرزمینی است و آثار مخرب آن در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی قابل مشاهده است. قاچاق کالا باعث کاهش درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت، تضعیف تولید داخلی و افزایش رقابت ناسالم در بازار می‌شود (صالحی، ۱۴۰۰: ۶۵).

مطابق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، هرگونه ورود، خروج، حمل، نگهداری و عرضه کالا بدون رعایت ضوابط قانونی، قاچاق محسوب می‌شود. قانون‌گذار با جرم‌انگاری این رفتارها و پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری و مالی، درصدد بازدارندگی و کاهش انگیزه ارتکاب قاچاق برآمده است (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲).

قاچاق کالا صرفاً یک عمل اقتصادی غیرقانونی نیست، بلکه تهدیدی برای امنیت اقتصادی و ثبات بازار نیز محسوب می‌شود. به‌ویژه در شرایطی که تولید داخلی توان رقابت ندارد، قاچاق کالا زمینه‌ساز کاهش اشتغال و رشد اقتصاد غیررسمی می‌گردد (احمدزاده، ۱۳۹۴: ۹۱).

۲-۲. قاچاق ارز

قاچاق ارز نیز به عنوان یکی از ابعاد مهم قاچاق اقتصادی، عبارت است از خرید، فروش، ورود یا خروج ارز بدون رعایت ضوابط قانونی و مجوزهای صادرشده توسط مراجع ذیصلاح. قاچاق ارز می‌تواند اثرات مخربی بر ثبات بازار پولی و نرخ ارز داشته باشد و موجب کاهش ارزش پول ملی گردد (یزدان‌پناه، ۱۳۹۴: ۷۸).

نظارت دقیق بانک مرکزی بر جریان ارز و اعمال سیاست‌های کنترلی از جمله ابزارهای دولت برای پیشگیری از قاچاق ارز است. با این حال، تفاوت نرخ ارز در بازار رسمی و غیررسمی و ضعف در اجرای مقررات، زمینه قاچاق را فراهم کرده است (انصاری، ۱۳۹۸: ۶۸).

۳-۲. دولت و نقش آن در سیاست‌گذاری اقتصادی

دولت نهادی است که وظیفه تنظیم و کنترل فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه را بر عهده دارد. در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دولت موظف است با تدوین و اجرای سیاست‌های بازدارنده، از آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی جلوگیری کند (احمدی، ۱۴۰۲: ۷۱).

نقش دولت در این حوزه محدود به وضع قوانین نیست، بلکه شامل ایجاد نهادهای نظارتی، هماهنگی میان مراجع مختلف و تقویت اجرای مقررات نیز می‌شود. اثر بخشی سیاست‌ها مستلزم هماهنگی کامل میان دستگاه‌ها و اجرای مستمر و مؤثر قوانین است (عظیمی، ۱۴۰۰: ۱۷).

۴-۲. پیشگیری و سیاست‌های بازدارنده

پیشگیری در حوزه حقوقی به مجموعه اقدامات گفته می‌شود که مانع وقوع جرم گردد. سیاست‌های بازدارنده یکی از شاخه‌های مهم پیشگیری کیفری هستند که با افزایش هزینه ارتکاب جرم و کاهش منافع آن، رفتار مجرمانه را کاهش می‌دهند (احمدزاده، ۱۳۹۴: ۴۲).

در زمینه قاچاق کالا و ارز، سیاست‌های بازدارنده شامل جرم‌انگاری، تشدید مجازات‌ها، اعمال محدودیت‌های قانونی و تقویت نظارت‌های اجرایی است (فتحی‌اند، ۱۳۹۹: ۳۴). این سیاست‌ها زمانی موفق خواهند بود که اجرای آن‌ها هماهنگ و مستمر باشد. ضعف در اجرا و نبود هماهنگی میان نهادهای مختلف موجب کاهش اثرگذاری سیاست‌های بازدارنده می‌گردد (صالحی، ۱۴۰۰: ۱۱۲).

۳. اقدامات تقنینی دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز

دولت در مقابله با قاچاق کالا و ارز، مهم‌ترین ابزار خود را در قالب قوانین و مقررات اعمال می‌کند. قوانین تقنینی نقش کلیدی در پیشگیری و کاهش انگیزه ارتکاب قاچاق دارند، زیرا با جرم‌انگاری و پیش‌بینی ضمانت اجراها، هزینه ارتکاب جرم را افزایش می‌دهند و از این طریق بازدارندگی ایجاد می‌کنند (صالحی، ۱۴۰۰: ۳۰، ۶۵).

۱-۳. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ به عنوان مهم‌ترین سند قانونی در این حوزه، با هدف ساماندهی مقررات پراکنده پیشین و ایجاد چارچوب واحد تقنینی، تصویب شد (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲). این قانون، مصادیق مختلف قاچاق کالا و ارز را مشخص کرده و برای هر نوع رفتار قاچاقی، ضمانت اجرای کیفری و مالی تعریف کرده است. قانون مزبور، برای مقابله با قاچاق کالا و ارز موارد زیر را پیش‌بینی کرده است:

- جرم‌انگاری ورود و خروج کالا بدون مجوز قانونی
- جرم‌انگاری حمل و نگهداری کالاهای قاچاق
- جرم‌انگاری خرید، فروش و نقل و انتقال ارز بدون مجوز از بانک مرکزی
- پیش‌بینی مجازات‌های نقدی و جزای حبس برای مرتکبان (احمدزاده، ۱۳۹۴: ۹۱)

۲-۳. تحلیل اثرگذاری مواد قانونی

مواد مختلف این قانون با هدف بازدارندگی و کاهش انگیزه قاچاق طراحی شده‌اند. برای مثال، مواد مربوط به ضبط کالاهای قاچاق و مجازات نقدی، با افزایش هزینه اقتصادی ارتکاب جرم، نقش بازدارنده مستقیم دارند. مواد مربوط به جرایم ارز نیز با کنترل جریان ارز و پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری و مالی، تلاش می‌کنند ثبات بازار ارز را حفظ کنند (یزدان‌پناه، ۱۳۹۴: ۷۸).

- با وجود این، برخی چالش‌ها موجب کاهش اثربخشی قوانین شده است:
- اجرای ناقص و پراکنده قوانین در برخی نهادها
- عدم هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول
- ضعف در پایش و کنترل مستمر مرزها و بازارهای داخلی (عظیمی، ۱۴۰۰: ۱۷)

۳-۳. بازنگری‌ها و اصلاحات قانونی

با توجه به تجربه عملی اجرای قانون و افزایش قاچاق کالا و ارز، بازنگری‌ها و اصلاحات قانونی انجام شده‌اند. این اصلاحات عمدتاً شامل تشدید مجازات‌ها، شفاف‌سازی مصادیق قاچاق و هماهنگی بهتر میان نهادهای مسئول بوده است. هدف این اصلاحات، افزایش بازدارندگی و کاهش امکان دور زدن قوانین است (صالحی، ۱۴۰۰: ۱۱۲).

با این حال، اثرگذاری واقعی این اصلاحات مشروط به اجرای دقیق و مستمر قوانین، کاهش موازی‌کاری‌ها و افزایش هماهنگی میان نهادهاست.

۴. اقدامات اجرایی و نظارتی دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز

علاوه بر اقدامات تقنینی، اجرای مؤثر سیاست‌های دولت و نظارت مستمر بر جریان کالا و ارز، از مهم‌ترین عوامل موفقیت در مقابله با قاچاق به شمار می‌آیند. بدون اجرای دقیق و هماهنگ قوانین، حتی جامع‌ترین مقررات نیز اثر بازدارنده خود را از دست می‌دهند (احمدی، ۱۴۰۲: ۷۱).

۱-۴. نقش گمرک در نظارت و کنترل

گمرک جمهوری اسلامی ایران، نهاد اصلی نظارت بر ورود و خروج کالاهاست. انجام تشریفات گمرکی، کنترل اسناد تجاری و بررسی محموله‌ها، از وظایف مهم گمرک در پیشگیری از قاچاق محسوب می‌شود. با این حال، گستردگی مرزها و کمبود امکانات نظارتی، موجب شده است کنترل‌ها کامل نباشند و قاچاق کالا همچنان ادامه یابد (فتحی‌اند، ۱۳۹۹: ۳۴).

۲-۴. نقش ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز

ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به عنوان مرجع هماهنگ‌کننده، مسئول ایجاد هماهنگی میان نهادهای مختلف و سیاست‌گذاری در حوزه مقابله با قاچاق است. این ستاد وظیفه دارد دستگاه‌های اجرایی را در راستای اجرای قانون هدایت و نظارت کند. با وجود این، محدودیت اختیارات و ضعف در نظارت عملیاتی، اثربخشی ستاد را کاهش داده است (عظیمی، ۱۴۰۰: ۱۷).

۳-۴. نقش بانک مرکزی در کنترل قاچاق ارز

در زمینه قاچاق ارز، بانک مرکزی نقش کلیدی دارد. نظارت بر جریان ارز، صدور مجوزهای ارزی و کنترل بازارهای رسمی، از وظایف این نهاد است. با این حال، تفاوت نرخ ارز رسمی و بازار غیررسمی و همچنین محدودیت در کنترل مبادلات مالی، موجب شده است قاچاق ارز همچنان جریان داشته باشد و سیاست‌های بازدارنده مؤثر واقع نشوند (انصاری، ۱۳۹۸: ۶۸).

۴-۴. چالش‌های اجرایی

چالش‌های مهم اجرای سیاست‌های اجرایی دولت عبارتند از:

- نبود هماهنگی میان نهادهای مسئول و موازی‌کاری
- ضعف امکانات و نیروی انسانی در مرزها
- پیچیدگی فرآیندهای تجاری و اداری
- عدم شفافیت در اجرای قوانین و مقررات (صالحی، ۱۴۰۰: ۱۱۲)

این چالش‌ها باعث شده است که علی‌رغم تدوین قوانین و سیاست‌های بازدارنده، قاچاق کالا و ارز همچنان به‌عنوان معضل جدی در اقتصاد ایران باقی بماند.

۵-۴. ارزیابی اثرگذاری اقدامات اجرایی

با توجه به تجربه عملی، می‌توان گفت که اقدامات اجرایی دولت در زمینه مقابله با قاچاق کالا و ارز تا حدی موفق بوده است، اما فاقد یکپارچگی کامل و هماهنگی میان نهادهاست. برای افزایش کارآمدی، لازم است برنامه‌ریزی میان‌بخشی تقویت شود و ابزارهای نظارتی و فناوری‌های نوین برای پایش مستمر جریان کالا و ارز به‌کار گرفته شوند (احمدزاده، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

۵. ارزیابی بازدارندگی سیاست‌های دولت

هدف اصلی سیاست‌های دولت در مقابله با قاچاق کالا و ارز، ایجاد بازدارندگی است؛ یعنی کاهش انگیزه و فرصت ارتکاب جرم از طریق افزایش هزینه و کاهش منافع آن (احمدزاده، ۱۳۹۴: ۱۰۳). بازدارندگی زمانی مؤثر است که هم ابزارهای قانونی و کیفری کافی باشند و هم اجرای آن‌ها به صورت مستمر و هماهنگ انجام شود.

۱-۵. بازدارندگی قانونی

یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازدارنده دولت، جرم‌انگاری و پیش‌بینی مجازات‌های قانونی است. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، با پیش‌بینی مجازات‌های حبس، جزای نقدی و ضبط کالاهای قاچاق، تلاش کرده است هزینه ارتکاب جرم را افزایش دهد (صالحی، ۱۴۰۰: ۶۵).

با این حال، تجربه عملی نشان می‌دهد که صرف جرم‌انگاری و تشدید مجازات‌ها، بدون تضمین اجرای مؤثر قوانین، نمی‌تواند مانع قاچاق شود. ضعف در اجرای قوانین، تعدد مراجع تصمیم‌گیر و پیچیدگی رویه‌های اداری، باعث شده است بازدارندگی واقعی کاهش یابد (عظیمی، ۱۴۰۰: ۱۷).

۲-۵. بازدارندگی اجرایی و نظارتی

بازدارندگی اجرایی و نظارتی مستلزم کنترل مستمر جریان کالا و ارز و هماهنگی میان نهادهای مسئول است. گمرک، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و بانک مرکزی با وظایف مشخص، تلاش می‌کنند زمینه اجرای قانون را فراهم کنند. با این حال، نبود هماهنگی کامل میان نهادهای، ضعف ابزارهای نظارتی و محدودیت امکانات، مانع تحقق بازدارندگی کامل شده است (فتحی‌اند، ۱۳۹۹: ۳۴).

۳-۵. بازدارندگی اقتصادی و اجتماعی

از بعد اقتصادی و اجتماعی، بازدارندگی به معنای کاهش انگیزه افراد و شرکت‌ها برای ورود به فعالیت‌های قاچاق است. تفاوت قیمت کالاها در بازار داخلی و خارجی، نرخ ارز و سود بالقوه قاچاق، عواملی هستند که انگیزه اقتصادی قاچاق را تقویت می‌کنند. به همین دلیل، بدون اصلاح بسترهای اقتصادی و کاهش تفاوت‌های قیمتی، بازدارندگی صرفاً قانونی و اجرایی نمی‌تواند کافی باشد (یزدان‌پناه، ۱۳۹۴: ۷۸).

۴-۵. نقاط قوت و ضعف سیاست‌های بازدارنده

- **نقاط قوت:** جرم‌انگاری دقیق، پیش‌بینی مجازات‌های کیفری و مالی، ایجاد نهادهای مسئول، تدوین برنامه‌های هماهنگی میان‌بخشی

- **نقاط ضعف:** ضعف در اجرا، عدم هماهنگی کامل نهادهای، تمرکز صرف بر ابزارهای کیفری، نبود اقدامات پیشگیرانه غیرکیفری، پیچیدگی فرآیندهای اداری و نظارتی

در مجموع، می‌توان گفت که سیاست‌های دولت در ایجاد بازدارندگی نسبی موفق بوده‌اند، اما هنوز با چالش‌هایی مواجه هستند که مانع کاهش کامل قاچاق کالا و ارز می‌شوند (صالحی، ۱۴۰۰: ۱۱۲).

نتیجه‌گیری

قاچاق کالا و ارز یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد ایران است که آثار مخربی بر تولید داخلی، درآمدهای دولت و ثبات اقتصادی کشور دارد. دولت در راستای مقابله با این پدیده، سیاست‌ها و اقدامات متعددی در حوزه‌های تقنینی، اجرایی و نظارتی اتخاذ کرده است. تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و ایجاد نهادهای مسئول، نشانه اهتمام دولت به مقابله با این پدیده است (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲).

با وجود این اقدامات، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های بازدارنده دولت از کارآمدی کامل برخوردار نبوده‌اند. ضعف در اجرای قوانین، نبود هماهنگی میان نهادهای مسئول، تمرکز بیش از حد بر مجازات‌های کیفری و عدم توجه کافی به سیاست‌های پیشگیرانه غیرکیفری، از مهم‌ترین عوامل کاهش اثربخشی سیاست‌ها هستند (عظیمی، ۱۴۰۰: ۱۷).

همچنین، تفاوت قیمت کالاها و نرخ ارز در بازار داخلی و خارجی، موجب افزایش انگیزه اقتصادی برای قاچاق شده است و بازدارندگی صرفاً قانونی و اجرایی را محدود کرده است (یزدان‌پناه، ۱۳۹۴: ۷۸). این یافته‌ها نشان می‌دهد که مبارزه مؤثر با قاچاق کالا و ارز مستلزم اتخاذ رویکردی جامع است که شامل اقدامات تقنینی، اجرایی، نظارتی، اقتصادی و فرهنگی باشد (صالحی، ۱۴۰۰: ۱۱۲).

پیشنهادهای

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر می‌تواند در افزایش کارآمدی سیاست‌های دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز مؤثر باشد:

۱. **تقویت هماهنگی میان نهادهای مسئول:** کاهش موازی‌کاری و ایجاد سازوکارهای هماهنگی میان گمرک، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و بانک مرکزی، برای افزایش اثربخشی اقدامات اجرایی ضروری است (فتحی‌اند، ۱۳۹۹: ۳۴).
۲. **اصلاح ساختارهای اقتصادی:** کاهش تفاوت قیمت‌ها و ثبات نرخ ارز، می‌تواند انگیزه اقتصادی قاچاق را کاهش دهد و بازدارندگی سیاست‌ها را افزایش دهد (انصاری، ۱۳۹۸: ۶۸).
۳. **تمرکز بر سیاست‌های پیشگیرانه غیرکیفری:** اقدامات آموزشی و فرهنگ‌سازی عمومی، به‌ویژه در حوزه اهمیت اقتصاد رسمی و پیامدهای منفی قاچاق، می‌تواند نقش مکمل برای سیاست‌های قانونی و کیفری داشته باشد (احمدزاده، ۱۳۹۴: ۱۰۳).
۴. **تقویت نظارت و فناوری‌های نوین:** استفاده از فناوری‌های نوین برای پایش مرزها و بازارهای داخلی و افزایش توان نظارتی نهادهای مسئول، می‌تواند مانع ورود و خروج غیرقانونی کالا و ارز شود (صالحی، ۱۴۰۰: ۱۱۲).
۵. **اجرای کامل و مستمر قوانین:** نظارت مستمر و ارزیابی دوره‌ای اجرای قانون، از جمله روش‌های تضمین بازدارندگی واقعی است و باید همواره در دستور کار نهادهای اجرایی قرار گیرد (عظیمی، ۱۴۰۰: ۱۷).

منابع

۱. احمدزاده، ابوالفضل. (۱۳۹۴). *پیشگیری کیفری از قاچاق کالا و ارز در نظام عدالت کیفری ایران*. تهران: انتشارات دیبا تا فردا.
۲. احمدی، محمد. (۱۴۰۲). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق*. دانشگاه تهران.
۳. انصاری، روح‌الله. (۱۳۹۸). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق*. دانشگاه تهران.
۴. فتحی‌اند، . (۱۳۹۹). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق*. دانشگاه. ...
۵. صالحی، . (۱۴۰۰). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق*. دانشگاه. ...
۶. عظیمی، . (۱۴۰۰). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق*. دانشگاه. ...
۷. یزدان‌پناه، . (۱۳۹۴). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق*. دانشگاه. ...
۸. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز. (۱۳۹۲).